

مأخذیابی شواهد شعری سندباد نامه

سهیل یاری*

غلامرضا سالمیان**

چکیده

یکی از دغدغه‌های همیشگی مصححان در نگاشتن تعلیقات خود بر متن تصحیحی، روشن کردن نام شاعران و نویسندگانی است که سخنی از آنان در متن مورد نظر وارد شده است. گاه این کار چنان طاقت‌فرسا و وقت‌گیر می‌شود، که مصحح یا به مشخص کردن بخشی از آن بسنده می‌کند یا ناگزیر از این کار دست می‌کشد. مصححان کتاب *سندباد نامه* نیز از آن روی که با این دشواری رو به‌رو بوده و فرصت کافی برای پرداختن به این کار در اختیار نداشته‌اند، بناچار به مشخص کردن نام تعدادی از گویندگان اشعار به کار رفته در کتاب بسنده کرده‌اند. در این مقاله با استخراج بخشی از شواهد شعری فارسی و عربی به کار رفته در *سندباد نامه* و مراجعه به منابع گوناگون فارسی و عربی به مأخذیابی این شواهد پرداخته‌ایم.

واژه‌های کلیدی: سندباد نامه، ظهیر الدین سمرقندی، نثر فارسی، شواهد عربی، شواهد فارسی

*دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه.

reza_salemian@yahoo.com

**استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه

سندباد نامه، نوشته‌ی محمد بن علی بن محمد بن الحسن الظهیری الکاتب السمرقندی است که در حدود سال‌های ۵۶۰-۵۵۶ ه.ق نوشته شده است. سمرقندی، اساس کار خود را بر ترجمه‌ای نهاده است که ابوالفوارس فناورزی در سال ۳۳۹ ه.ق به امر نوح بن نصر سامانی از متن پهلوی کتاب به پارسی دری انجام داده بود. سمرقندی بنا بر رسم مترسّلان و شیوه نویسنده‌ی هم عصرانش، کتاب را به نثری مزین و آراسته به آیات و احادیث و اشعار و امثال فارسی و عربی درآورده است؛ به گونه‌ای که کتابش از نمونه‌های زیبای نثر فنی و مصنوع ادب فارسی به شمار می‌آید.

یکی از موارد شاخص کتاب که در نوشته‌های هم عصران نویسنده، مشهود و مرسوم بوده و از ویژگی‌های سبکی دوره محسوب می‌شده است، استشهاد فراوان به اشعار عربی و فارسی است. علی‌رغم فراوانی بالای استشهد وی به این اشعار، در هیچ موردی به نام گویندگان اشعار اشاره‌ای نکرده است. همان‌گونه که گفتیم احمد آتش و کمال الدینی در تصحیح‌های جداگانه خویش از این کتاب، پاره‌ای از سراینندگان را مشخص کرده‌اند؛ اما همچنان گویندگان بسیاری از اشعار، ناشناخته باقی مانده‌اند. در این جستار می‌کوشیم در حد بضاعت مزجات خویش، تعداد دیگری از شاعران اشعار فارسی و عربی به کار رفته در این کتاب را مشخص کنیم.

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

بحث

صلاحُ العبادِ العبادِ ورشدُ الأممِ
بشيئين ما لهما ثالثُ
وأمنُ البريةِ من كُلِّ غمٍ
بخرقِ الحسامِ ورفقِ القلمِ

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۳)

دو بیت یاد شده از ابوالفتح بُستی است. (بُستی، ۱۴۱۰: ۱۷۱)

عليكَ بالعدلِ إن وُليتَ مملكةً
فالعدلُ ينفيه أُنَى احتلَّ من بلدٍ
واحدُ من الجورِ فيها غايةُ الحذرِ
والجورُ ينفحُ في بدوِ وفي حضرِ

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۲۵)

این دو بیت نیز سروده ابوالفتح بُستی است. (بُستی، ۱۴۱۰: ۸۱)

ولرب شهوة ساعة
قد أورثت حزنا طويلا

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۲۶)

این بیت را به ابوالعتاهیه نسبت داده اند. (ابوالعتاهیه، ۱۴۰۶: ۳۵۲؛ ثعالبی، ۱۴۰۱: ۷۷؛ نویری، ۱۴۲۴:

ج ۳: ۷۶)

دست در روزگار می نشود پای عمر استوار می نشود

شاهدی خوب صورت است امل در دل و دیده خوار می نشود

شاد می زی که در عروسی مرگ رنگ چندین نگار می نشود

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۲۷)

اشعار مذکور، جزء غزلی از انوری است. (انوری، ۱۳۷۶، ج ۲: ۸۴۵)

اصبر علی القدر المجلوب وارض به وإن أتاک بما لا تشتهي القدر

فما صفا لامرئ عیشٌ یسرّ به إلا سیتبع یوماً صفوة کدر

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۴۴)

این دو بیت را به نام السابق البربری ضبط کرده اند؛ هرچند در الکامل بدون نام گوینده آمده است.

(صفدی، ۱۴۲۰: ج ۱۵، ص ۴۵؛ مبرد، ۱۴۱۷، ج ۲: ۳۲)

توقّ الخلاف أن سمحت بموعده لتسلم من هجو الوری وتعافی

فلو أثمر الصفصاف من بعد نوره وإیراقه ما لقبوه خلافا

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۴۷)

این دو بیت از سروده های ابوالفتح بُستی است. (بُستی، ۱۴۱۰: ۱۲۶)

«الحب ما منع الکلام الألسنا»

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۵۵)

کلام مذکور، مصراع اول بیته از متنبی است؛ مصراع دوم آن چنین است:

«وألذُّ شکوی عاشقٍ ما أعلنّا» (متنبی، ۱۴۰۳: ۱۵۰؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰: ج ۶، ص ۱۵۸)

سَوْفَ تَرَى وَیَنْجَلِی الْعُبَارُ
أَفْرَسٌ تَحْتَكَ أُم حِمَارُ

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۶۳)

این بیت از بدیع الزمان همدانی است.

(همدانی، ۱۴۲۴: ۱۴۵؛ یاقوت حموی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۲۵۰)

فعالک إن سئلت لنا مطیع وقولک إن سألنا مطاع

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۶۴)

بیت بالا، سروده بحتری است. (نویری، ۱۴۲۴، ج ۷، ص ۹۴)

ما را تو به هر صفت که داری دل کم نکند ز دوستداری

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۶۷)

بیتی از غزل‌های انوری است. (انوری، ۱۳۷۶: ج ۲، ص ۹۲۲)

مَنْ أَكَلَ الْقَلَايَا صَبَرَ عَلَى الْبَلَايَا

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۶۷)

مثل مشهوری است که در التمثیل و المحاضره آمده است. (ثعالبی، ۱۴۰۷۸: ۴۴)

كَأَنَّ نَجُومَ اللَّيْلِ خَافَتْ مُغَارَةَ فَمَدَّتْ عَلَيْهَا مِنْ عَجَاجَتِهِ حُجْبًا

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۷۲)

این شعر، سروده متنبی است. (متنبی، ۱۴۰۳: ۳۲۸؛ جرجانی، بی تا: ۱۱۰)

إِذَا غَيَّبَتْ أَشْبَاحَنَا كَانِ بَيْنَنَا رَسَائِلَ صَدَقٍ فِي الضَّمِيرِ تَرَاوَعَتْ

وَأُرَاحَنَا فِي كُلِّ شَرْقٍ وَمَغْرَبٍ تَلَاقِي بِإِخْلَاصِ الْوَدَادِ تَوَاصَلْ

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۷۸)

این دو بیت را به نام ابوعلی بن البناء ثبت کرده اند. (یاقوت حموی، ۱۴۲۴، ج ۲: ۸۲۴)

إِنَّ الْعَفِيفَ إِذَا اسْتَعَانَ بِخَائِنٍ وَكَانَ الْعَفِيفُ شَرِيكُهُ فِي الْمَأْتَمِ

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۸۱)

این بیت سروده العلاء بن منهال الغنوی است. (ابن حمدون، ۱۴۱۷، ج ۴: ۱۵۰؛ زمخشری، ۱۴۱۲، ج ۴:

۱۵۰)

أَبْيَضٌ مُظْلَمٌ وَكُلُّ بَيَاضٍ فِي سَوَى الْعَيْنِ وَالْمَفَارِقِ نَوْرٌ

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۱۱۴)

شعر سروده غزّی است. (غزّی، ۱۴۲۹: ۷۳۲)

قَدْ قَلَّصْتُ شَفْتَاهُ مِنْ حَفِيفَتِهِ فَخِيلَ مِنْ شِدَّةِ التَّعْبِيسِ مَبْتَسِمًا

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۱۲۹)

این بیت از ابو تمام است. (ابوتمام، بی تا: ج ۱۷۰/۳؛ جرجانی، بی تا: ۳۲۷؛ میرد، ۱۴۱۷، ج ۳: ۳۹)

رَأَتْ كَلْفِي بِهَا وَقَدِيمَ وَجْدِي فَمَلَّتْنِي ، كَذَا كَانَ الْحَدِيثُ
وَلِي قَلْبٌ يُنَازِعُنِي إِلَيْهَا وَشَوْقٌ بَيْنَ أَضْلَاعِي حَثِيثُ

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۱۳۲)

این شعر را به ابو نواس نسبت داده‌اند. (قیروانی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۱۶۶)

خِيَالُكَ فِي الْكُرَى وَهَذَا أَتَانَا وَمِنْ سِلْسَالِ رَيْفِكَ قَدْ سَقَانَا

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۱۳۶)

این بیت سروده حمد بن محمد الوجدی است. (باخرزی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۵۵۳)

يَا سَائِلِي عَنْ قِصَّتِي دَعْنِي أُمَّتَ بَغِصَّتِي
الْمَالِ فِي أَيْدِي الْوَرَى وَالْيَأْسَ مِنْهُمْ حَصَّتِي

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۱۳۸)

دو بیت فوق از ابو منصور شافعی است. (ثعالبی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۴۷۷)

يَا عَزُّ أَفْسِمُ بِالَّذِي أَنَا عَبْدُهُ وَلَهُ الْمَقَامَ وَمَا حَوَتْ عِرْفَاتِ
لَا أَصْطَفِي أَبَدًا سِوَاكَ خَلِيلَهُ فَتَقَى بِذَلِكَ وَالْكَرَامِ ثِقَاتِ
وَلَوْ أَنَّنِي فِي التَّرْبِ ثُمَّ دَعَوْتَنِي لَبَيَّتُ صَوْتِكَ وَالْعِظَامُ رُفَاتُ

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۱۴۱)

مصحح به نقل از استاد شفیعی کدکنی در تعلیقات اسرارالتوحید، شعر را از کثیر عزه می‌داند.

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱، تعلیقات کمال الذینی: ۲۶۸) گویا این اشتباه به سبب آمدن لفظ «عز» در

متن شعر است. این شعر سروده بشار بن برد طخارستانی است و در تمام نسخ دیوان وی به جای

«عز»، «عبد» ضبط شده است. (تخارستانی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۳۶)

كَمْ نِعْمَةٍ لَا يُسْتَقَلُّ بِشُكْرِهَا اللَّهُ فِي طَيِّ الْمَكَارِهِ كَامِنُهُ

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۱۴۰)

این بیت هم در دیوان منسوب به امام علی (ع) هست و هم به ابوالعتاهیه منسوب شده است.

(دیوان علی بین ابی طالب، ۱۴۰۹: ۱۹۲؛ عسکری، ۱۴۱۹: ۲۲۶)

إِذَا مَا رَدَّاءَ الْمَرْءِ لَمْ يَكِ طَاهِرًا فَهِيَهَاتَ أَنْ يَنْقِيَهُ بِالْمَاءِ غَاسِلَهُ

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۱۴۳)

بیت از محمد بن قاسم الکریزی است. (بستی، ۱۳۹۷: ۲۹)

مخالفتان تو موران بدنند، مار شدند
برآور از مورانِ مار گشته دمار
مکن درنگ و ازین بیش روزگار مبر
که ازدها شود از روزگار یابد مار

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۶۰۹)

شعر از مسعود رازی است. (بیہقی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۶۰۹)

أَجَارَتْنَا إِنَّ الْقِدَاحَ كَوَادِبُ وَأَكْثَرُ أَسْبَابِ النَّجَاحِ مَعَ الْيَاسِ

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۱۵۵)

شعری است از محمد بن وهیب. (تنوخی، ۱۳۹۸، ج ۵: ۸۹؛ جرجانی، ۱۹۹۵م: ۲۵۰؛ زمخشری: ۱۴۱۲، ج ۵: ۳۴۶)

إِنَّ الْجَهْلَ تَضَرُّنِي أَخْلَاقُهُ ضَرُّ السُّعَالِ لَمَنْ بِهِ اسْتِسْقَاءُ

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۱۶۱)

بیت سروده ابوالفتح بستی است. (ثعالبی، ۱۴۲۱: ۱۸۴)

نَدِيمِي النِّجْمُ، طَوَّلَ لَيْلِي حَتَّى إِذَا غَارَتِ النُّجُومُ
أَسْلَمَنِي الصَّبْحُ لِلْبَلَايَا فَلَا حَبِيبٌ، وَلَا نَدِيمٌ

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۱۷۷)

این دو بیت از سروده‌های ابو فراس همدانی است. (ابو فراس همدانی، ۱۴۱۴: ۳۰۵)

قَلِقُ الْعِانَ كَأَنَّ فَوْقَ تَلِيلِهِ نَمْلٌ، وَبَيْنَ سَمِيعَتَيْهِ صَفِيرٌ

هُوَ جَنَّةٌ لِلنَّاطِرِينَ إِذَا مَشَى أَمَّا إِذَا مَا جَاشَ فَهُوَ سَعِيرٌ

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۱۸۰)

این بیت نیز از سروده‌های غزی است. (غزی، ۲۰۰۷: ۳۴۷)

جهانگذاری که امروزش از بر انگیزی
به عالمیت رساند که اندرو فرداست

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۱۸۰)

بیتی از قصیده انوری است با این مطلع:

اگر محول حال جهانیان نه قضاست
چرا مجاری احوال بر خلاف رضاست

(انوری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۴۴)

نون الهوان من الهوی مسروقه
فاذا هويت فقد لقيت هوانا

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۱۸۷)

شعر از عبید الله بن عبد الله بن طاهر است. (ثعالبی، ۱۴۰۱: ۱۰۳)

چه گویم که خوادم ز عشق تو گویی هم از مادر عشق زاده‌ست خواری

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۱۸۷)

این بیت از یکی از غزل‌های انوری است با این مطلع:

تو گر دوست داری مرا ورنه نداری منم همچنان بر سر دوستداری

(انوری، ۱۳۷۶، ج ۲: ۹۲۳)

ویا ربّما ضاق القضاء بأهله وأمكن من بین الأسنّة مخرج

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۱۹۷)

این شعر را محمد بن وهیب سروده است. (تنوخی، ۱۳۹۸، ج ۵: ۸۹؛ مرزبانی، ۱۴۰۲: ۴۲۰)

والعلم فيه جلاله ومهابه والعلم أنفع من كنوز الجواهر

تفنی الكنوز علی الزمان وصرفه والعلم یبقی باقیات الأعصر

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۲۰۴)

این بیت که منسوب به ابو الطیب طبری است، در غرر الخصاص الواضحه بدون نام گوینده آمده

است. (سلفی، بی تا: ۳۴۸؛ وطواط، ۱۴۲۹: ۱۱۶)

إن اللیالی لم تحسن إلى أحدٍ إلا أساءت إليه بعد إحسان

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۲۰۵)

این بیت به ابن معتز منسوب است. از طرفی تعدادی از ادیبان این بیت را بدون تصریح به نام

گوینده در کتب خویش به همراه این دو بیت آورده‌اند:

لا تغبطنّ أخوا الدنيا بمقدرةً فیها وإن كان ذا عز وسلطان

یکفیک من غیر الأيام ما صنعت حوادث الدهر بالفضل بن مروان

(توحیدی، ۱۴۱۹، ج ۲: ۲۲۲؛ ثعالبی، ۲۴۳: ۱۴۰۱؛ وطواط، ۱۴۲۹: ۸۳)

فیا رب قد أحسنت عوداً وبداءً إلى فلم ینهض بإحسانک الشکر

فمن كان ذا عذر لدیك وحجّه فعذری إقراری بأن لیس لی عذر

(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۲۲۰)

این دو بیت را که هم از ابو نواس دانسته و هم به محمود وراق نسبت داده‌اند، در دیوان هر دو وارد شده است. (ابو نواس، ۱۳۹۲، ج ۳: ۱۷۴؛ وراق، ۱۴۱۲: ۲۲۲) نیز رجوع شود به: (ابن حمدون، ۱۴۱۷: ج ۴: ۳۳۶؛ قرطبی، ۱۴۰۲، ج ۱: ۴۸۹)

از دوست به هر زخمی افگار نباید شد
وز یار به هر جوری بیزار نباید شد
(ظهیری سمرقندی، ۱۳۸۱: ۲۳۶)

این بیت، مطلع غزلی از سنایی است. (سنایی، ۸۵۸: ۱۳۸۵)



انجمن علمی زبان ادبی فارسی



نتیجه گیری

همانگونه که دیدیم ظهیری سمرقندی ابیات بسیاری را از شاعران عرب و فارس را به عنوان استشهاد آورده است. این امر نشان از تسلط وی بر ادبیات عربی و فارسی دارد. در نوشتار حاضر منبع و مأخذ شواهد شعری یادشده، از لابلاي متون گوناگون مشخص شد. نتیجه این پژوهش را می‌توان تکمیل کننده تعلیقات چاپهای آتی سندبادنامه دانست. به علاوه، حاصل پژوهش‌های این-چینی می‌تواند در دیگر زمینه‌های تحقیقات ادبی مفید واقع شود.

منابع

ديوان على بن ابيطالب (١٤٠٩)، جمع و ترتيب: عبد العزيز الكرم، الطبعة الأولى، بيروت دار الكتب العلمية.

ابن حمدون، محمد بن الحسن (١٤١٧)، التذكرة الحمدونية، بيروت: دار صادر.

ابن خلكان، أحمد بن محمد (١٩٠٠)، وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان، تحقيق: إحسان عباس، بيروت: دار صادر.

ابو تمام (بي تا)، ديوان، بشرح الخطيب التبريزي، تحقيق: محمد عبده عزّام، الطبعة الرابعة، قاهره: دار المعارف.

ابوالعنايه، ايماعيل بن قاسم (١٤٠٦)، ديوان، بيروت: دار بيروت للطباعة و النشر.

ابونواس، الحسن ابن هاني (١٣٩٢)، ديوان، تحقيق: ايڤالد فاغنز، فيسبادن: دار النشر فرانز اشتاينر،

التوحيدى، أبو حيان (١٤١٩)، البصائر والذخائر، تحقيق: وداد القاضي، الطبعة الرابعة، بيروت: دار صادر

انورى (١٣٧٦)، ديوان، تصحيح مدرس رضوى، چاپ پنجم، تهران: سخن.

باخرزى، ابو الطيب (١٤١٤)، دمية القصر و عصره العصر، بيروت: دار الجيل.

بُستى، ابوالفتح (١٤١٠)، ديوان، تحقيق و ريه الخطيب و لطفى الصقال، دمشق: مجمع اللغة العربية.

بُستى، محمد بن حبان (١٣٩٧)، روضة العقلاء ونزهة الفضلاء، تحقيق: محمد محى الدين عبد الحميد، بيروت: دار الكتب العلمية.

بيهقى، ابوالفضل (١٣٨٨)، تاريخ بيهقى، تصحيح محمد جعفر ياحقى و مهدي سيدي، چاپ دوم، تهران: سخن.

تخارستانى، بشار بن بُرد (١٣٧٣)، ديوان، تحقيق محمد رفعت فتح الله و محمد شوقى امين، قاهره: لجنة التأليف و الترجمة.

تنوخى البصرى، المحسن بن على (١٣٩٨)، الفرج بعد الشدة، تحقيق: عبود الشالجي، بيروت: دار صادر.

ثعالبي، ابومنصور (١٤٠٨)، التمثيل والمحاضرة، المحقق: عبد الفتاح محمد الحلو، الطبعة الثانية، بيروت: الدار العربية للكتاب.

_____ (١٤٠٣)، يتمة الدهر في محاسن أهل العصر، المحقق: مفيد محمد قمحية، الطبعة الأولى، بيروت: دارالكتب العلمية.

الجرجاني، عبدالقاهر (١٩٩٥)، دلائل الإعجاز، تحقيق: محمد التنجى، الطبعة الأولى، بيروت: دار الكتاب العربي.

الجرجاني، أبو الحسن علي بن عبد العزيز (بي تا)، الوساطة بين المتنبي وخصومه، تحقيق وشرح: محمد أبو الفضل إبراهيم، على محمد البجاوي، مطبعة عيسى البابي الحلبي وشركاه.

حمداني، ابو فراس (١٤١٤)، ديوان، شرح خليل الدويهي، الطبعة الثانية، بيروت: دار الكتاب العربي. زمخشري، محمد بن عمر (١٤١٣)، ربيع الأبرار و نصوص الأخيار، تحقيق: عبد الأمير مهنا، بيروت: مؤسسه أعلمي.

ظهري سمرقندي (١٣٨١)، سندباد نامه، محمد باقر كمال الديني، چاپ اول، تهران: ميراث مكتوب. سلفي الأصفهاني، أبو طاهر أحمد (بيتا)، معجم السفر، تحقيق: عبدالله عمر البارودي، مكة المكرمة: المكتبة التجارية.

سنائي (١٣٨٥)، ديوان، تصحيح محمد تقى مدرس رضوى، چاپ ششم، تهران: سنائي. صفدي (١٤٢٠)، الوافي بالوفيات، تحقيق: احمد ارناؤوط و تركي مصطفى، بيروت: دار إحياء التراث.

عسكري، ابو هلال (١٤٠٦)، الصناعتين الكتابة والشعر، تحقيق: على محمد البجاوي و محمد أبو الفضل إبراهيم، بيروت: المكتبة العصرية.

عزّي، ابراهيم بن عثمان (٢٠٠٧)، ديوان، تحقيق: عبدالرزاق حسين، الطبعة الأولى، دبي: مركز جمعة الماجد للثقافة و التراث.

قُرطبي، عبد النمر (١٤٠٢)، بهجة المجالس و نزهة المجالس، تحقيق: محمد مرسى الخولي، الطبعة الثانية، بيروت: دار الكتب العلمية.

قيرواني الحصري، أبو إسحاق إبراهيم (١٤١٧)، زهر الأداب و ثمر الألباب، تحقيق: يوسف على طويل، الطبعة الأولى، بيروت: دار الكتب العلمية.

مبرد، محمد بن يزيد (١٤١٧)، الكامل في اللغة والأدب، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم، الطبعة الثالثة، القاهرة: دار الفكر العربي.

متنبی، ابو طیب (۱۴۰۳)، دیوان، بیروت: دار بیروت للطباعة و النشر
مرزبانى، محمد بن عمران (۱۴۰۲)، معجم الشعراء، تصحيح و تعليق: ف. كرنكو، بيروت: دار الكتب
العلمية.
نویری، أحمد بن عبد الوهاب (۱۴۲۴)، نهاية الأرب في فنون الأدب، تحقيق: مفيد قمحية وجماعة،
الطبعة الأولى، بيروت: دار الكتب العلمية.
وراق، محمود (۱۴۱۲)، ديوان، جمع و دراسة و تحقيق: أد. وليد قصاب، الطبعة الأولى. مؤسسة
الفنون.
وطواط، رشيد الدين (۱۴۲۹)، غرر الخصائص الواضحة وعرر النقائص الفاضحة، تصحيح و تعليق:
ابراهيم شمس الدين، الطبعة الأولى، بيروت: دار الكتب العلمية.
همدانی، بديع الزمان (۱۴۲۴)، ديوان، دراسة و تحقيق: يسرى عبد الغنى عبد الله، الطبعة الثالثة،
بيروت: دار الكتب العلمية.
ياقوت حموى (۱۴۱۴)، معجم الأدياء، تحقيق: احسان عباس، الطبعة الأولى، بيروت: دار الغرب
الإسلامى.

انجمن علمی زبان ادبیات فارسی

ششمین همایش ملی پژوهش های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱